

پیشنهاد ما: تقویم هنری برای کلاس

حافظ گفته است:

هزار سلطنت و دلبری بدان نرسد
که خویش را به هنر دردلی بکنجانی
و شهریار سروده است:

زیر نگین هنر قلمرو دل هاست
سلطنت شهر یار شاه ندارد

معلم و مدیر اهل تأمل از خود می پرسد:

راستی در ذات و گوهر هنر چه اکسیری نهفته است که
مس وجود را به کیمیا بدل می کند؟

تا آنجا که باز حافظ می گوید:

گر در سرت هوای وصال است حافظا

باید که خاک در گه اهل هنر شوی

اگر امروز با داشتن چنین سرمایه‌ای به کلاس درس
هنر رویم، به‌طور حتم باید پیام دلنشین آن را نخست،

بارها و بارها برای خود تکرار کنیم تا به جزئی از
شخصیت وجودی‌مان تبدیل شود. و چه میعادگاهی

بہتر از مهرماه!

با فرارسیدن پاییز و آغاز جشن تعلیم و تربیت کلاس‌های
هنر نیز از نو جان تازه‌ای می گیرند. پیام این روزها،
عشق به آینده، امیدواری و امیدبخشی و کار و کوشش

مداوم در عرصه هنر است. بهار تعلیم و تربیت سرآغاز
بالیدن و شکوفایی تازه است؛ هر چند که این بهار
در پاییز باشد. تازه، مگر پاییز با شکوه هنری و هنر
شکوهمند خود به تمام زیبایی‌ها و لطایف هنر آراسته
نیست؟

مهرماه را با این اندیشه آغاز می کنیم که در سند تحول
بنیادین آموزش و پرورش نیز هنر مثل همیشه منزلت
شایسته‌ای دارد و به جایگاه آن در برنامه‌های آموزش
با هدف تقویت هویت اسلامی - ایرانی دانش‌آموزان با
هدف ایجاد کارآمدی بیشتر، تأکید ویژه شده است. این
سند بالادستی و نرم‌افزاری می‌تواند انرژی تازه‌ای برای
تداوم آموزش هنر فراهم سازد و بی‌شک همت مستدام
معلمان و همکاران هنر، شاه ستون اصلی این بنای تازه
به‌شمار می‌رود.

بر این اساس، هرگونه یأس و ناامیدی در چارچوب
هنری امیدبخش آن هم برای کودکان و نوجوانان
محکوم به فراموشی است. تربیت نیروی کار تازه برای
ایجاد فکر و کار نو اولویت اول است.

بیاییم از توانایی بکر دانش‌آموزانمان، آفرینش‌های ناب
هنری را استخراج کنیم. محیط هنری را با زیبایی

نگاه خود کامل کنیم و آینه‌ای باشیم که تمام قد مظاهر زیبایی و محاسن شوق‌انگیز طبیعت را به خوبی منعکس می‌کند و مگر نه این است که «چون نکو می‌نگرم جمله نکو می‌بینم»؟

مدیران گرامی آموزشگاه‌ها به این نکته توجه داشته باشند که هدف درس هنر در تعلیم و تربیت و به‌ویژه براساس چارچوب برنامه‌ریزی درسی، پرورش هنرمندان حرفه‌ای نیست. در واقع، درس هنر این ظرفیت را داراست که به‌صورت غیرتخصصی در برنامه‌های عمومی جایگاهی شایسته داشته باشد و قدرت و توانایی معجزه‌آسایش در عرصه آموزش و پرورش عمومی به خدمت گرفته شود و ابعاد وجودی فرزندان ما را تکمیل کند. پرورش انسانی که هنر را به‌خوبی درک می‌کند و از آن لذت می‌برد، کمتر از تربیت هنرمند حرفه‌ای نیست. به‌خاطر داشته باشیم که تلطیف و تقویت احساسات و عواطف و تغییر نگرش و غنی‌سازی شخصیت فرزندان یک هدف تربیتی بزرگ در فرایند انسان‌سازی است و این مهم از کارکردهای تربیتی هنر نیز به‌شمار می‌رود. زیرا هنر چنان نیرویی حیات‌بخش افراد را به سرمنزل موفقیت و پیشرفت رهنمون می‌سازد.

در هنرهای تجسمی و دستی مؤلفه‌های مهمی چون نظم و ترتیب اعمال، تجربه کردن، توازن و هماهنگی، پرورش تخیل و قوای خلاق و در یک کلام، توسعه و پرورش حس زیباشناختی بسیار مؤثرند و تأثیر سازنده آن‌ها به همه ابعاد و جنبه‌های شخصیت فرد گسترش می‌یابد. پس، قدر و قیمت «زنگ هنر» را نباید در سیمای ۴۵ دقیقه و ۶۰ دقیقه ساده و پیش پا افتاده در تصور آوریم؛ زیرا ساده کردن غیرمنطقی لطیفه انسانی هنر، فرو کاستن از ارزش واقعی آن است.

این مقوله دیرپای انسانی به‌خاطر ریشه داشتن در فطرت آدمی محوشدنی نیست اما در روزگار ناملايمات روحی و روانی به مثابه سرمایه‌ای گران‌بهاست که می‌توان با نگرش کاملاً مثبت و داشتن باور واقعی، از مزایا و آثار مثبت آن در مدرسه بهره برد. به‌همین دلیل دغدغه مجله رشد آموزش هنر این است که در آغاز سال تحصیلی جدید نگرش به هنر را با تأملی دقیق در خویش از نو بسازیم و عزم خود را برای داشتن یک تقویم هنری مناسب در کلاس و رسیدن به هدف مهم همراه کردن و متعهد کردن بچه‌ها به کمک زیبایی‌های هنر، جزم کنیم.

کاوه تیموری